نگاهی به جریان سینمای سیاسی در ایران و غرب

سیاست روی پرده

سیاست اگرچه در سینمای دنیا، بویژه در هالیوود بـه عنوان یکی از ژانرهای مستقل مضمونی و محتوایی حضور فعالی دارد اما در سینمای ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که فضای سیاسی و اجتماعی ایران، چه از منظر داخلی و چه از جهت سیاست بین‌الملل حائز توجه است اما کمتر به سوژه‌های سیاسی توجه شده است؛ سوژه‌هایی که اتفاقا از فضای بشدت دراماتیک برخوردارند. وقایع سیاسـی‌ای که در طول یکصد سال گذشته در تاریخ ایران روی داده و بخش‌های مهمی از زندگی اجتماعی ایرانیان را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است، خیلی بیشتر از آنکه در صفحات تاریخ خواندنی باشند، امکان پرداخت سینمایی و درامـاتیک دارد. به عبارت دیگر از «ژنان سینما» برای آشنایی با تاریخ سیاسی ایران کمتر استفاده شده است؛ زیاتی که قابلیت بیان بسیاری از حقایق را به شـکلی که برای مخاطب عام قابل عرضه باشـد، دارد. نمایش باورهای ملی که در دل این وقایع تاریخی ظهور و بروز داشـته و خودی نشـان داده است، یکی دیگر از ظرفیت‌های اساسی سینماسـت؛ اسـتقلال‌خواهی، استکبارسـتیزی، حمایت از مظلومان و مقابله با ظالمان که می‌توانند با استفاده از کهن‌الگوهای سینمایی ماننـد رقابت میان خیر و شر، نمایش داده شود. در حوزه نقد سیاسـت نیز سینما می‌تواند حضور فعالی داشته باشد. نقد مناسبات سیاسی و ساختارهای نادرسـت، نقد رفتار سیاسی، معرفی الگوی مناسب سیاسی و دیگر وجوه عالم سیاسـت حتما می‌تواند سوژه‌های درخوری برای ساختن فیلم‌های سینمایی باشد. در این پرونده با اشاره به مثال‌هایی از فیلم‌های سیاسی در سینمای ایران و جهان، نگاهی به فضای پیش روی این ژانر در آینده خواهیم داشت.

سیاست یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی مردم در سراسر جهان است. سینما به عنوان یکی تاثیرگذارترین مدیوم‌های هنری- رسانه‌ای و نیز فراگیرترین آنها از منظر فهم عمومی، نسبت به موضوع سیاست بی‌توجه نبوده است، تا آنجا که غیر از فیلم‌هایی که مشـخصا با عنوان سینمای سیاسی ساخته شده‌اند و «سیاست» موضوع محوری آنهاسـت که در قالب درام قرار می‌گیرند، در بسیاری از فیلم‌های دیگر، سیاسـت، درگیرکننده‌ترین مفهومی اسـت که حتی اشـاره‌های نمادین درباره آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در گونه‌های مختلف سینمایی اعم از تاریخی، جاسوسی، جنایی، پلیسـی، جنگی، کمدی و... فیلم‌های زیادی تولید شده که با کارکردی سیاسـی، اشاره‌هایی دارند یا داستان آنها به شکلی رقم می‌خورد که در دل تحولاتی مانند انقلاب‌ها، کودتاها، شورش‌ها، جنگ‌ها و امثال آن باشد؛ اتفاقاتی که طبعا سیاسی هستند. همین موضوع موجب شده است این ژانر، کارگردانان و فیلمسازان صاحب سبک خود را داشته باشد. همان‌طور که «ابراهیم حاتمی‌کیا» در ایران به ساختن فیلم‌هایی عمدتا با محتوای سیاسـت معروف شده اسـت، «الیور استون» به عنوان یکی از مهم‌ترین سینماگران سیاسی سینمای آمریکا و جهان شناخته می‌شود؛ فیلمسازی که تمرکز فراوانی بر رویدادها و شخصیت‌های سیاسی و جنجال برانگیز داشته و درباره آنها فیلم ساخته است.

«سنودن» از آثار متاخر استون است که در آن دست روی یکی از پرسروصداترین چهره‌های سیاسی - رسانه‌ای امروز آمریکا گذاشته است. موضوع اسنودن یکی از سیاسی‌ترین موضوعاتی است که می‌شود به آن پرداخت. «ادوارد جوزف اسنودن» متولد ۱۹۸۳، افسـاگر کنونی و کارمند سابق سـازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و پیمانکار سابق (آژانس امنیت ملی آمریکاسـت. افشاگری‌های ادوارداسنودن از عملیات این برنامه‌ها که شامل جاسوسی از مردم عادی و شخصیت‌ها در مکالمات تلفنی، ایمیل، استفاده از موتور جسـتجوی اینترنت و... در تمام کشورها و بدون رعایت مرزهای سیاسی است، در درجه اول توسط آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا (ان‌اس‌ای) به اجرا درمی‌آید. گروه «فایو ایز»، دولت‌های اروپایی و شرکت‌های تلفن نیز همکاری مستقیم و نزدیکی در این جاسوسی‌ها دارند. افشاگری‌های اسنودن آغاز رسانه‌ای شدن اطلاعات مربوط به افشاگری‌های جاسوسی گسترده بود. فیلمنامه این فیلم را اولیور استون و «کران فینترجالد» از کتابی که نوشته «اناتولی کوچرنا» وکیل روس است اقتباس کرده‌اند. کتاب دیگری نیز که در این میان مورد استفاده قرار گرفت نوشته «لوک هاردینگ» روزنامه‌نگار گاردین بود. اولیور استون که همواره دیدگاه‌های انتقادی به سیاست‌های ایالات متحده داشته است، در اسنودن هم تلاش کرد بخشی از واقعیت‌های سیاست در ایالات متحده را افاش کند. استون همچنین در ۱۹۹۱، فیلم مهم «جی‌اف‌کی» با محوریت ترور «جان اف کندی» را ساخت که تبدیل به یکی از بهترین آثار سیاسی سینمای جهان شد. فیلم‌های «نیکسون» و «دیلیو» که با محوریت ۲ رئیس‌جمهور دیگر ایالات متحده ساخته شدند و همچنین موضوع مهم و چالش‌برانگیز جنگ ویتنام در مناسبات سیاسی آمریکا که در سه‌گانه «جوخه» در سـال ۱۹۸۶، «هنول چهارم جولای» در سـال ۱۹۸۹ و «بهشـت و زمین» در سال ۱۹۹۳ توسط استون با رویکردی منتقدانه به تصویر کشیده شد، از جمله فعالیت‌های استون در مخالفت سینمایی با سیاست‌های ایالات متحده است. به این آثار مهم می‌توان «وال‌استریت» را هم اضافه کرد که نقدهای لایه‌ای مهمی به مناسبات سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه‌داری در آمریکا داشته است. علاوه بر کارهای کم‌نظیر الیور استون، در سینمای آمریکا فیلم‌های سیاسی بسیاری ساخته شدند که هم‌اکنون در رده بهترین آثار سینمای جهان شناخته می‌شوند. از جمله «تمام مردان شاه» ساخته «رابرت راسن» که بر مبنای ترور فرماندار ایالت لوییزیانا ساخته شد. رابرت راسن خالق «بیلیاردبال» در سیاسی‌ترین فیلم کارنامه‌اش سراغ زندگی «وینی استارک» سیاستمدار پوپولیست آمریکایی رفت؛ فرماندار و سناتور ایالت لوییزیانا که ظاهرا برضد سیاست قیام کرد ولی عملکرد جالبی از خود به‌جا نگذاشت و درنهایت ترور شد. «دکتر استرنجلاو» از استنلی کوبریک که یک کمدی سیاه با محوریت جنگ سرد آمریکا و شوروی است، از دیگر آثار ساخته شده در این ژانر است. کوبریک که درباره وقوع یک جنگ هسته‌ای بسیار نگران بود، این فیلم را آماده پخش کرد و در آن به مردمی که جنگ سرد و جنگ ویتنام را تجربه کرده بودند نشان داد بحرانی قریب‌الوقوع بشریت را تهدید می‌کند. فیلم دیالوگ‌های قابل تاملی دارد. در یکی از آنها رئیس‌جمهور خطاب به ژنرال تورگیدسون و سفیر کبیر روسیه که با هم درگیر شده‌اند، می‌گوید: «آقایون شما نمی‌توئید اینجا دعوا کنین، اینجا اتاق جنگه!»

«همه مـردان رئیس جمهور» از «الن جی.پاکولا» که رواینگر یکی از رسـوایی‌های مهم تاریخ سیاسـی آمریکاسـت، درباره تقلب انتخاباتی در زمان «ریچارد نیکسون» که به رسوایی واترگیت مشهور شـد و استعفای نیکسون را از ریاسـت جمهوری آمریکا در پی داشت، اسـت. «سگ را بجنبان» یا «دم سـگ را بجنبان» محصول ۱۹۹۷ و به کارگردانی «برِی لوینسون»، داستان انتخابات ایالات متحده آمریکا را چند روز مانده به اجرای آن روایت می‌کند. آنچه در این فیلم نمایش داده می‌شود تأثیر غیرقابل انکار رسـانه‌ها بر افکار عمومی آمریکا و در ادامه، جهان اسـت که چطور یک سیسـتم فیلمسـازی با حفظ‌های سینمایی مردم را فریب داده و ایشان را متقاعد می‌کند که آمریکا برای حفظ جان شهروندانش ناگزیر است که به دیگر کشورهای جهان لشکرکشی کند.

«سیریانا» از «استیون گیگان» که به مناسبات سیاسـی-اقتصادی آمریکا و روابط نفتی آن با کشورهای خلیج‌فارس می‌پردازد، فیلمی سیاسی محصول سال ۲۰۰۵ است. موضوع اصلی فیلم حول محور سیاست نفت و تأثیرات جهانی صنعت نفت بر اقتصاد و سیاست است که طی عملیات‌هایی که توسط یک مأمور سیا (جرج کلونی)، یک تحلیلگر مسائل انرژی (مت دیمون)، بازرسی در واشنگتن (جفری رایت) و یک کارگر مهاجر بیکار پاکستانی (مازیر مونیر) در کشوری عربی در خلیج‌فارس در حال انجام است، مشاهده می‌شود.

همچنین «باب رابرتز» کمدی سیاسی «تیم رابینز» با روایت داستان خوانده آهنگ‌های فولکلوریک که به موقعیت یک سـناتور ارتقا می‌یابد، به نقد مناسبات سیاسی آمریکا پرداخته است.

کم‌کاری در نقد پهلوی!

«عباسـیه» بی‌تردید یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی ایرانیان است؛ بنا بر تعبیری معروف «یک «ملت سیاسـی» هستیم». با این همه، سینمای سیاسی آنچنان که باید نتوانسته در قالب ژانری مستقل معرفی شود. در واقع به‌رغم تحولات متعدد سیاسی که فاصله‌های ما را پر کرده‌اند (که البته اخیرا توجه ویژه‌ای نسبت به آنها می‌شود)، سیاست و امر سیاسی در محوریت درام‌های سینمایی قرار نگرفته و یک جریان سینمایی نساخته. به تعبیر دیگر، سینمای سیاسی در بیشتر موارد در ایران با چیزهای دیگر و بسـیار محدود تعریف شـده که «کنایه‌های سیاسـی» برای دل بردن از جشنواره‌های غربی، نشانه‌گذاری‌ها، وجوه فرانتیتی یا دستاویز شدن به چند دیالوگ محدود برای پرداختن به یک امر سیاسی از آن جمله بود. سال‌های پیش از انقلاب به‌خاطر تسـلط کامل فیلمفارسی بر سینمای اسـتبدادزده آن روز، سـاخت آثاری با مضامین سیاسـی نزدیک به ۵۰ سال به تاخیر افتاد، چنانکه می‌توان گفت اولین آثار جدی سیاسی در سینمای ایران در جریان فیلم‌های موسوم به موج‌نو در دهه ۵۰ ساخته شد. شاخص‌ترین فیلم سیاسی دهه ۵۰ «گوزن‌ها» از مسعود کیمیایی بود که اتفاق به آتش کشیده شـدن سینما رکس آبادان هنگام نمایشش نیز بر فرامش‌های سیاسی‌اش افزود. پس از انقلاب، جریان سینمای سیاسی با بغض‌های فروخورده‌ای از دوران سـتمشاهی در ساخت آثاری با محوریت انقلاب و نقد رژیم پهلوی آغاز شد. در سال ۱۳۵۸، «فریاد مجاهد» توسط مهدی معدنیان با موضوع حادثه مدرسـه فیضیه قم ساخته شد. این شاید اولین فیلم تاریخ سینمای ایران است که با اشاره مستقیم به یک واقعه تاریخی و در ژانر سینمای سیاسی ساخته شده اسـت. «جنگ اطهر» محمدعلی نجفی هم که در سال‌های پایانی پیش از انقلاب ساخته شده بود و سازندگانش در جایگاه اولین مدیران سـینمایی پس از انقلاب قرار گرفته بودند، در این سال به نمایش عمومی درآمد. «خونبارلر» سـاخته امیر قویدل حادثه ۱۷ شـهریور را به نمایش درآورد و «زنده باد» خسـرو سینایی به مبارزات مردمی در جریان انقلاب پرداخت. آغاز جنگ اگرچه تمرکز را از جریان سینمای سیاسی برداشت و توجه سینماگران را به دفاع‌مقدس جلب کرد اما ساخت آثاری با محوریت انقلاب تا نیمه‌های دهه ۶۰ ادامه پیدا کرد. در این بین مدیران سـینمای وقت که دنبال ترویج سینمای شبه‌عرفانی و اروپای شرقی بودند، کمکی به پیشبرد سینمای سیاسی نکردند؛ اگر چه در بیشتر کشورها این ساخت از سینما که پیوندی عمیق با سینمای اسـتراتژیک دارد، در ساخت حکومت‌ها از اهمیـت برخوردار اسـت. با این همه آثار موفقـی در دهه رژیم پهلوی و وقایع مربوط به انقلاب اسـلامی تولید شد. «تشریفات» از مهدی فخیم‌زاده که داسـتان جالب و ایده قابل توجهی دارد، از آن جمله اسـت. جوانی که مشـهور به حسن مطرب اسـت برای دزدی وارد خانه‌ای می‌شود. در خانه مجسار روحانی‌ای به نام توحید با موعظه‌های خود گروهی از اهالی محل را بر ضد نظام سلطنتی می‌شوراند. پلیس امنیتی برای دستگیری توحید به محله هجوم می‌آورد. در این میان حسـن نیز بازداشـت می‌شـود و در زندان به دلیل شباهت به روحانی شکنجه می‌شود. بازجو می‌پرسد که او همان توحید نیسـت اما با اجبار و شکنجه و تهدید به مرگ او را به همان توحید خنی‌آورند و در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت می‌دهند. حسن مطرب که نقش خود را بخوبی بازی کرده اسـت از زندگی مرفهی برخوردار می‌شود اما به لباس توحید، سلاح او را دستگیر و اعدام می‌کند. در همین سال‌ها آثار دیگری مانند «توجیه» منوچهر حقانی‌پرست، «رسـول پسر ایوالقاسـم» داریوش فرهنگ، «اقتباسـتین‌ها» مهدی صباغ‌زاده، «برنج خونین» امیر قویدل، «خط قرمز» مسعود کیمیایی و «تانورد» کیومرث پوراحمد. در واقع ورود پوراحمد به عرصه فیلمسازی حرفه‌ای با اثری متعهد درباره ظلم و ستمی است که بیگانگان به بومیان جنوب رو می‌کنند- ساخته می‌شود. «دادشاه» حبیب کاوش هم که به یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسـی دوران شـاه یعنی اصل ۴ تروئمن می‌پردازد اثر قابل توجهی است. درباره واقعیت داستان «دادشـاه» اینطور می‌خوانیم: دادشـاه یا میرداشاه یک زمیندار بزرگ و کشاورز روسـتایی بلوچ، ساکن در منطقه کهستانی (سفیدکوه) واقع در مرکز بلوچستان بود که اوایل دهه ۵۰ میلادی (اواسط دهه ۳۰ خورشیدی) علیه رژیم شـاه قیام می‌کند. علت قیام او را تعدی و ستمی دانسته‌اند که از جانب خوانین محلی به وی و خاندان و قبیله‌اش روا داشـته شـده بود. در واقع قیام وی به‌خاطر حمایـت رژیم از خوانین زورگو بود و کارمندان اصل ۴ ترومن، را از میان برمی دارد و به همین دلیل حماسـیت مطبوعات جهان به قیام او بیشتر می‌شود. به‌گونه‌ای که دولت‌های بیگانه و بویژه دولت ایالات متحده آمریکا، حکومت پهلوی را برای دسـتگیری هر چه سریع‌تر دادشاه و سرکوب طغیان او تحت فشار گذاشتند. دادشاه درنهایت در کمین نیروهای رژیم به قتل می‌رسد. از جمله آثار دیگری که با محوریت سیاسـت شـیخعلی» ساخته شد که تا همین امروز، یکـی از بهترین فیلم‌های تاریخ سیاسـی - اجتماعی ایران اسـت، با پرونـگ شـدن موضوعات سیاسی در اواخر دهه ۷۰، سـویه این سـینما به سمت نقد مناسبات داخلی رفت و طیفی از فیلم‌های ضعیف تا متوسط ساخته شد. بهمن فرمان‌آرا پس از چندین سال غیبت در این دوره به عرصه فیلمسازی بازگشت و «وی کاقور عطر یاس» را با نشـانه‌های برونگ سیاسی سـاخت. فیلم سرشار از پیامیه‌های سیاسی و حتی پخش سخنرانی جنجال‌برانگیز رئیس‌جمهور وقت است و با اینکه در میان ضعیف‌ترین آثار فرمان‌آرا است، سیموغ بهترین فیلم جشنواره فجر را دریافت کرد. مسعود کیمیایی در سال ۷۸ «اعتراض» را ساخت. در همین سـال، اصغرخدا درویش «هتول ماه مهر» را با تمرکز بر دانشـگاه و مضامین سیاسـی روز تولید کرد. ضیاالدین دری نیز با «ژیون» و طرح داسـتانی درباره فراماسونری به موضوعات سیاسی پرداخت. تهمینه میلانی در سال ۷۹ فیلم جنجالی «میم پنهان» را با محوریت فعالیت‌های سیاسی یک زن در ابتدای انقلاب ساخت که حاشیه‌های فراوانی را برای فیلمساز به وجود آورد. سامان مقدم هم «پارتی» را با طرح مسائل سیاسـی با محوریت فعالیت‌های یک روزنامه‌نگار سـاخت. با غفلت از طرح مسـائل اسـتراتژیک با آغاز دهه ۸۰ از میان فیلمسـازان سینما تنها ابراهیم حاتمی‌کیاسـت که دغدغه‌های سیاسی را به طور جدی و با طرح مضامین و انتخاب سوژه‌های سیاسی ادامه می‌دهد. او در «هوم مردم» به رفتار دولتمردان پس از جنگ انتقاد می‌کند و در شکاف میان نسل جوان و نسل جنگ، دولتیان را مقصر می‌داند. حاتمی‌کیا که برای این فیلم پیش‌آمد فضای حول آن را جنجالی‌تر کرد. ابراهیم حاتمی‌کیا و تهیه‌کننده فیلم «هوم مردم» باعث شد در جلسه مطبوعاتی، حاتمی‌کیا نگاتیوهای برده شده را به دلیل اعتراض به سانسورهای فیلم توسط تهیه‌کننده به معنی نمایش بگذارد و از اتفاقی که از آن به یکسونگری تعبیر کرد، گله کند. او در «ارتفاع پست» نیز در بستر طرح معضلات اجتماعی به بیان مفاهیمی سیاسـی نیز دست زده اما اثری که با انتقادات جدی همراه شـد، فیلمنامه این کار را اصغر فرهادی به نگارش درآورده بـود. در نهایت در یکی از مهم‌ترین آثارش، «به رنگ ارغوان» برای اولین‌بار سراغ به تصویر کشیدن فضاهای امنیتی و اطلاعاتی رفت و از این منظـر نگاهی نیز به منافقین انداخت. نگاهی که با انتقادهای جدی همراه شد. فیلم از دوره اصلاحات به مدت۶ سال در توقیف ماند و درنهایت پس از تغییر دولت در جشنواره بیست و هشتم گرچ جایز بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را نصیب خود کرد.

بازگشت استراتژی

در این بین اما در سال‌های ابتدایی دهـه ۸۰ پای مضامین سیاسـی به آثار کمدی نیز باز شـد و «آن، عشق و موتور ۱۰۰۰» از ابوالحسـن داوودی و «مکس» از سامان مقدم با طرح برونگ مسـائل سیاسی روی پـرده رفتنـد. در همین سـال‌ها «تیک» اسـماعیل فلاح‌پور نیز با روایت داسـتان مردی که به هر کاری دسـت می‌زند تا به مجلس راه یابد به نقد مناسـبات سیاسی جاری پرداخت.

سـال‌های پایانی دهـه ۸۰ و وقوع فتنه ۸۸ و فضای ملتهب پس از آن اما بسـیاری از فیلمسازان را برای ورود به مسائل سیاسی در آثارشـان ترغیب کرد. فیلم مهمی چون «قلاده‌هـای طـلا» که بـا احسـاس نیاز به روشـنگری در فضای بعد از سال ۸۸ تولید شد و بشدت در ژانر سیاسی بود، با اسـتقبال مخاطبان همراه شد و هر کاری دسـت می‌زند تا به شکلی مستقیم به طرح موضوعات مربوط به دهمین دوره انتخابات ریاسـت جمهوری پرداخت. ژانر دیگری نیز سـاخته شدند که جالب دیگری را گرفتند و با ناگاهانی یکسویه به طرح مسائل مختلف درباره اتفاقات سال ۸۸ پرداختند. علاوه بر آثار سیاسی با طرح مسائل داخلی، در ابتدای دهه ۹۰ «شـکرخیز شنبه» به کارگردانی پرویز شیخ‌طادی ساخته شد که دست روی مسائل سیاسی منطقه‌ای و نقد مهم‌نیسم گذاشته است؛ آخرین نمونه این دسـت آثار سیاسـی پیش از آن، فیلم ماندگار «هزارماه» از سعیدالله داد در ابتدای دهه ۷۰ که از کم‌نظیرترین آثار بین‌المللی و اسـتراتژیک تولیدی سـینمای ایران اسـت و همچنین «سرب» از مسعود کیمیایی در انتهای دهـه ۶۰ تولیـد شـدند. در سال‌های اخیر نیز باز هم حاتمی‌کیا با ساخت «چ»، «فاجرگارد» و «چه چه شام» و دست گذاشتن روی مسائل سیاسی روز نشان داد با وجود حاشـیه‌های پرنگ فیلم‌های پیشـین همچنان به طرح مسائل سیاسـی در آثارش علاقه‌مند است و استقبال مردمی از آن نیز ثابت کرد فیلم‌های سیاسی می‌توانند مخاطب بالایی را به سینما‌ها بکشانند به وقت شام برای نخستین بار و به شکلی جدی به موضوع داعش و گروه‌های تکفیری می‌پردازد و در پس‌زمینه به دخالت‌های اسرائیل و آمریکا در امور منطقه اشاره‌هایی دارد.

سینمای اسـتراتژیک با پرداختن به سوژه‌های مهمی که سال‌ها درباره آنها سـکوت شده است، در سال‌های اخیر با ساخت آثار دیگری چون «هاجرای نیمروز» و «تنگه ابوقریب» ادامه پیدا کرده است. در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر نیز که یکی از سیاسـی‌ترین دوره‌های این جشنواره است، آثاری چون «شبی که ماه کامل شد»، «هاجرای نیمروز ۲- رد خون»، «تختی» و «دیدن این فیلم جرم است» به نمایش درآمده‌اند که دارای سویه‌های قوی سیاسی و اجتماعی هسـتند. در شبی که ماه کامل شد، به سوژه عبدالحمید ریگی، برادر عبدالمالک ریگی، از سـران گروه‌های تروریستی شرق کشور، پرداخته شده و در فضایی دراماتیک این موضوع مهم پادآوری شده است. در هاجرای نیمروز ۲- رد خون نیز که در ادامه قسمت اول این فیلم سینمایی تولید شـده به واقعه مهم عملیات مرصاد پرداخته شده است. عملیاتی که منافقین از دوره اصلاحات به مدت۶ سال در توقیف ماند و درنهایت پس از تغییر دولت در جشنواره بیست و هشتم گرچ جایز بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را نصیب خود کرد.

بسیاری از فیلم‌های سیاسی مهم تاریخ توسط سینماگرانی با تفکر چپ و علیه آمریکا تولید شـده است. «کوستا گاوراس» فیلمسـاز یونانی‌الاصل که به دلیل داشتن تفکرات کمونیستی توسط حکومت سرهنگ‌ها از کشـورش تبعید شد و به فرانسه رفت و بعدها تبدیل به یکی از مهم‌ترین سازندگان آثار سیاسی سینمای جهان شد، یکی از این سینماگران است. مهم‌ترین فیلم او یعنی «زد» که برنده جایزه اسـکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان هم شد در سال ۱۹۶۹ ساخته شد؛ فیلمی بر اساس داستانی از «ولسیلی واسیلیکوس» نویسنده یونانی که با بودجه فرانسوی از الجزایـر جلـوی دوربین رفـت و رواینگر تـرور «گریگوری لمبراکیس» نماینده دست چپی پارلمان یونان به دست نیروهای دست راستی و همچنین حوادث و اتفاقاتی که بعد از آن رخ داد تا یونان را به محلی برای حکومت سرهنگ‌ها تبدیل کند، است. «ز» «هانا‌کین» نیز در رده بهترین آثار سیاسـی تاریخ سـینما جا دارد؛ اثری که با همه انتقادات و مشـکلاتی که در زمـان اکرانش به آن نسـبت داده شد، موفق بود، زیرا توانسـت به لحاظ تصویر صریـحش از واقعیت، نگاه مـردم را به خود جلب کنـد و همچنین اعتبار خاصی به فیلم‌های سیاسی ساخته شده در زمانه خود ببخشد و این نوع فیلم‌ها را وارد مسـیر تـازه‌ای کنـد. موسـیقی این فیلم سـاخته «میکیس تئودوراکیس» آهنگساز بزرگ یونانی و سازنده موسیقی فیلم‌های «حکومت نظامی» و «زوربای یونانی» اسـت، که بعدها اهمیت‌بخش بسـیاری از موسـیقی‌های ضدامپریالیسـتی نیز شد.

«حکومت نظامی» اثر دیگری از گاوراس اسـت که ۴ سـال بعـد و در ۱۹۷۳ بـا محوریت ماجـرای واقعی کودتـای اروگوئه و گروگان‌گیری سرکنسـول کشور برزیل و یـک آمریکایی به نـام «مایکل سـانتوس» توسـط چریک‌های چپ‌گـرای جنبش آزادی‌بخش ملی اروگوئه با توپاماروها ساخته شد. این فیلم نیز به یکی از آثار مهم برونگ گاوراس تبدیل شد. داستان ساخت «حکومت نظامی» به خـودی خود نیز یک سـوژه دراماتیک و سیاسی اسـت. گاوراس «حکومت نظامی» را در دانشـگاه و محیط آلنـده و با گروهی بازیگر شـیلیایی سـاخت اما مدتـی بعد از پایان سـاخت فیلم، دولت سالوادور آلنده به وسـیله کودتای آمریکایی در حمایت از ارتش پینوشـه سـقوط کرد و حدود ۳۰ نفر از بازیگران و دسـتاندرکاران شیلیایی فیلم تبعید، زندانی و اعدام شدند. در فضای از فیلم، بازجو (هوگو) خطاب به سانتوره اینجنیور می‌گوید: ... شما (طرفداران امپریالیسم) مدعی هسـتید از آزادی و دموکراسی دفاع می‌کنید ولی روش‌های شما چیزی نیسـت جز جنگ، فاشیسم و شکنجه، با من هم عقیده‌اید آقای سانتوره؟

«Z» فیلمـی سرنوشـت‌سـاز بود کـه گاوراس پـس از آن در مسـیری قرار گرفت که همیگاه از آن خارج نشـد یا به عبارت بهتـر از آن فاصله نگرفـت؛ چنانچه درونمایه برنرنگ سیاسـی گاوراس در آثار بعدی او نیز ادامه یافت.

«گمشـده» در سـال ۱۹۸۲ درباره کودتای ژنرال پینوشه در شـیلی حسابی سـروصدا کرد. گاوراس با «گمشـده» ماجرایی واقعی را دسـتمایه خلق درامی افشـاگرایانه قـرار داد. خلاصه فیلـم این چنین اسـت که پس از کودتای پینوشـه در شـیلی، «چارلز هورمن» جوان آمریکایی در سـانتیاگو ناپدید می‌شود. «ای هورمـن» پـدر چارلز، در جسـت‌وجوی فرزند گمشـده‌اش همه‌جـا را زیر پا می‌گذارد و در نهایت معلوم می‌شـود چارلز که با روزنامه‌های آزادی‌خواه همکاری داشـته و اسـنادی مبنی بر حمایت ارتش آمریکا از کودتاچیان به‌دسـت آورده بود، کشـته شده اسـت. سـفیر آمریکا به او خبر می‌دهد جسد پسرش پیدا شده اسـت. وقتی او تصمیم به شکایت می‌گیرد با موج تحسـاب کلانی برای حمل جسد به آمریکا مواجه می‌شود. جسد ۷ ماه در «گمشده» در آمریکا، وزارت خارجه این کشور با بیانیه‌ای رسمی دخالتش در کودتای نظامیان شیلی را رد کرد؛ بیانیه‌ای که بعید به نظر نمی‌رسـد کسـی از مخاطبان فیلم آن را باور کرده باشد. «هانا کی» (K hanna) در سـال ۱۹۸۳ با محوریت هولوکاسـت و درباره جنایات اسـرائیل. «جعبه موسیقی» در سال ۱۹۸۹ باز هم با محوریت هولوکاسـت و این بار درباره حضور جنایتکاران نازی در آمریکا و «آمین» در سـال ۲۰۰۳ درباره روابط نازی‌ها با وانیکان، از دیگر آثار گاوراس اسـت. به دلیل اهمیت سیاسـت و سینمای سیاسی می‌توان در سینمای کشورهای مختلف جهان ردی از سـینماگران مهمی که تمرکز ویژه‌ای بر ساخت آثاری با درونمایه سیاسی داشـتند گرفت. «فرانسـیکو رُزی» کارگردان مهم سـینمای ایتالیا نیز یکی از فیلمسـازانی است که بیش از همه بـا سـاخت آثار سیاسـی شناخته می‌شود؛ یکی از مهم‌ترین سـینماگران سیاسـی بعد از جنگ ایتالیا که فیلم‌هایش عمدتا به افشای فساد سیاسـی و اخلاقی در جامعه ایتالیا و مناسبات قدرت، مافیا و گروه‌های سیاسـی راسـت و چپ مربوط اسـت. در میـان فیلم‌های رُزی اما فیلم «سـالوادوره جولیانو» از اهمیت زیـادی برخوردار اسـت؛ فیلمی کـه رواینگر داسـتان راهزنی سیسـیلی به نام سالواتوره جولیانو است که در سال‌های دهه ۴۰ پیش از انقلاب به‌خاطر تسـلط کامل فیلمفارسی بر سینمای اسـتبدادزده آن روز، سـاخت آثاری با مضامین سیاسـی نزدیک به ۵۰ سال به تاخیر افتاد، چنانکه می‌توان گفت اولین آثار جدی سیاسی در سینمای ایران در جریان فیلم‌های موسوم به موج‌نو در دهه ۵۰ ساخته شد. شاخص‌ترین فیلم سیاسی دهه ۵۰ «گوزن‌ها» از مسعود کیمیایی بود که اتفاق به آتش کشیده شـدن سینما رکس آبادان هنگام نمایشش نیز بر فرامش‌های سیاسی‌اش افزود. پس از انقلاب، جریان سینمای سیاسی با بغض‌های فروخورده‌ای از دوران سـتمشاهی در ساخت آثاری با محوریت انقلاب و نقد رژیم پهلوی آغاز شد. در سال ۱۳۵۸، «فریاد مجاهد» توسط مهدی معدنیان با موضوع حادثه مدرسـه فیضیه قم ساخته شد. این شاید اولین فیلم تاریخ سینمای ایران است که با اشاره مستقیم به یک واقعه تاریخی و در ژانر سینمای سیاسی ساخته شده اسـت. «جنگ اطهر» محمدعلی نجفی هم که در سال‌های پایانی پیش از انقلاب ساخته شده بود و سازندگانش در جایگاه اولین مدیران سـینمایی پس از انقلاب قرار گرفته بودند، در این سال به نمایش عمومی درآمد. «خونبارلر» سـاخته امیر قویدل حادثه ۱۷ شـهریور را به نمایش درآورد و «زنده باد» خسـرو سینایی به مبارزات مردمی در جریان انقلاب پرداخت. آغاز جنگ اگرچه تمرکز را از جریان سینمای سیاسی برداشت و توجه سینماگران را به دفاع‌مقدس جلب کرد اما ساخت آثاری با محوریت انقلاب تا نیمه‌های دهه ۶۰ ادامه پیدا کرد. در این بین مدیران سـینمای وقت که دنبال ترویج سینمای شبه‌عرفانی و اروپای شرقی بودند، کمکی به پیشبرد سینمای سیاسی نکردند؛ اگر چه در بیشتر کشورها این ساخت از سینما که پیوندی عمیق با سینمای اسـتراتژیک دارد، در ساخت حکومت‌ها از اهمیـت برخوردار اسـت. با این همه آثار موفقـی در دهه رژیم پهلوی و وقایع مربوط به انقلاب اسـلامی تولید شد. «تشریفات» از مهدی فخیم‌زاده که داسـتان جالب و ایده قابل توجهی دارد، از آن جمله اسـت. جوانی که مشـهور به حسن مطرب اسـت برای دزدی وارد خانه‌ای می‌شود. در خانه مجسار روحانی‌ای به نام توحید با موعظه‌های خود گروهی از اهالی محل را بر ضد نظام سلطنتی می‌شوراند. پلیس امنیتی برای دستگیری توحید به محله هجوم می‌آورد. در این میان حسـن نیز بازداشـت می‌شـود و در زندان به دلیل شباهت به روحانی شکنجه می‌شود. بازجو می‌پرسد که او همان توحید نیسـت اما با اجبار و شکنجه و تهدید به مرگ او را به همان توحید خنی‌آورند و در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت می‌دهند. حسن مطرب که نقش خود را بخوبی بازی کرده اسـت از زندگی مرفهی برخوردار می‌شود اما به لباس توحید، سلاح او را دستگیر و اعدام می‌کند. در همین سال‌ها آثار دیگری مانند «توجیه» منوچهر حقانی‌پرست، «رسـول پسر ایوالقاسـم» داریوش فرهنگ، «اقتباسـتین‌ها» مهدی صباغ‌زاده، «برنج خونین» امیر قویدل، «خط قرمز» مسعود کیمیایی و «تانورد» کیومرث پوراحمد. در واقع ورود پوراحمد به عرصه فیلمسازی حرفه‌ای با اثری متعهد درباره ظلم و ستمی است که بیگانگان به بومیان جنوب رو می‌کنند- ساخته می‌شود. «دادشاه» حبیب کاوش هم که به یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسـی دوران شـاه یعنی اصل ۴ تروئمن می‌پردازد اثر قابل توجهی اسـت. درباره واقعیت داسـتان «دادشـاه» اینطور می‌خوانیم: دادشـاه یا میرداشاه یک زمیندار بزرگ و کشاورز روسـتایی بلوچ، سـاکن در منطقه کهسـتانی (سـفیدکوه) واقع در مرکز بلوچسـتان بود که اوایل دهه ۵۰ میلادی (اواسط دهه ۳۰ خورشیدی) علیه رژیم شـاه قیام می‌کند. علت قیام او را تعدی و سـتمی دانسـته‌اند که از جانب خوانین محلی به وی و خاندان و قبیله‌اش روا داشـته شـده بود. در واقع قیام وی به‌خاطر حمایـت رژیم از خوانین زورگو بود و کارمندان اصل ۴ ترومن، را از میان برمی دارد و به همین دلیل حماسـیت مطبوعات جهان به قیام او بیشتر می‌شود. به‌گونه‌ای که دولت‌های بیگانه و بویژه دولت ایالات متحده آمریکا، حکومت پهلوی را برای دسـتگیری هر چه سریع‌تر دادشاه و سرکوب طغیان او تحت فشار گذاشتند. دادشاه درنهایت در کمین نیروهای رژیم به قتل می‌رسد. از جمله آثار دیگری که با محوریت سیاسـت شـیخعلی» ساخته شد که تا همین امروز، یکـی از بهترین فیلم‌های تاریخ سیاسـی - اجتماعی ایران اسـت، با پرونـگ شـدن موضوعات سیاسی در اواخر دهه ۷۰، سـویه این سـینما به سمت نقد مناسـبات داخلی رفت و طیفی از فیلم‌های ضعیف تا متوسط ساخته شد. بهمن فرمان‌آرا پس از چندین سال غیبت در این دوره به عرصه فیلمسازی بازگشت و «وی کاقور عطر یاس» را با نشـانه‌های برونگ سیاسی سـاخت. فیلم سرشار از پیامیه‌های سیاسی و حتی پخش سخنرانی جنجال‌برانگیز رئیس‌جمهور وقت است و با اینکه در میان ضعیف‌ترین آثار فرمان‌آر